

عامل حمله

به مأمور بسیج باز داشت شد

راننده خودروی سواری که مأمور بسیج را در ایست بازرسی به عمد زير گر قته و باعث جراحت شدید وی شده بود، بازداشت شد. سرهنگ عبدالعلی شعبانی، فرمانده انتظامی آستانرا گفت: شامگاه یک‌شنبه مأموران بسیج با برقراری ایست بازرسی در حال کنترل خودروهای عبوری بودند که یک خودروی عبوری به عمد و با سرعت زیاد به سمت یکی از بسیجیان حرکت کرد و بعد از تصادف با وی از محل دور شد. همزمان با انتقال مأمور بسیج به بیمارستان، مأموران پلیس و بسیج خودروی مورد نظر را تعقیب کردند و موفق شدند خودرو را متوقف و متهم را بازداشت کنند.

مرگ ۵ سرنشین پژو در تصادف با کامیون

پنج سرنشین خودروی پژو در تصادف با کامیون در جاده آشتهارد در جنان باختند.

ساعت ۱۲:۳۳ روز گذشته مأموران پلیس و امدادگران از حادثه رانندگی در جاده آشتهارد باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد حادثه بین خودروی پژو و کامیون اتفاق افتاده است. بررسی‌های بیشتر نیز نشان داد که پنج سرنشین پژو به علت شدت جراحات فوت شده‌اند که اجساد به پزشکی قانونی منتقل شدند. علت حادثه در دست بررسی است.

قتل پسر نوجوان در نزاع شبانه

نزاع شبانه در شهرستان ملایر با قتل پسر نوجوان به سرانجام رسید. سرهنگ احمد ساقی، فرمانده انتظامی شهرستان ملایر گفت: شامگاه یک‌شنبه مأموران پلیس از درگیری خونین در میدان جوکار باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد درگیری بین چند مرد جوان که از مجرمان سابقه‌دار هستند به دلیل مسائل شخصی رقم خورده است. همچنین مشخص شد در جریان درگیری بین طرفین که به خیابان شهدا کشیده شده بود، پسر ۱۷ ساله با چاقو هدف قرار گرفته به علت شدت جراحات در بیمارستان فوت شده است. مأموران پلیس در جریان تحقیقات میدانی موفق شدند عامل حادثه و همه شرکت‌کنندگان در نزاع را بازداشت کنند.



فاطمه صبور

دختر جوان و نامزدش که متهم هستند پنج سال قبل پدر و خواهر خردسالش را به قتل رسانده‌اند در حالی پای میز محاکمه حاضر شدند که ایهام‌های زیادی درباره آن مطرح است.

۲۸ مردام‌ماه ۹۶ به مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش خبر رسید مرد ۶۰ساله‌ای به نام حسن و دختر خردسالش مهناز در یک ساختمان مسکونی به قتل رسیده‌اند. با اعلام این خبر، مأموران پلیس بلافاصله در محل حاضر و با اجساد پندر و دختر خردسالی روبه‌رو شدند که با ضربات جسم سخت به سرشان کشته شده بودند. با حضور بازپرس ویژه قتل و کارآگاهان اداره پلیس، اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد و روند بررسی‌ها نشان داد محل حادثه یک ساختمان چهار طبقه‌ای است که مقتول به همراه همسر دوم و فرزند خردسالش در طبقه دوم آن ساختمان زندگی می‌کرده است. دختر ۲۴ ساله او به نام بهاره در طبقه همکف خواهر دیگرش به نام طاهره نیز در طبقه سوم و برادر آنها در طبقه چهارم سکونت داشتند. همچنین مشخص شد آخرین بار نامزد بهاره که مرد ۳۴ساله‌ای به نام شهرام بود، وارد خانه آنها شده است.

نقشه اشتباهی جویندگان گنج را به کام مرگ کشاند

غلامرضا مسکنی

دو نفر از چهار جوینده گنجی که برای یافتن عتیقه در زیر زمین خانه قدیمی چاه عمیقی را حفر کرده بودند، به کام مرگ رفتند. تحقیقات جنایی و بازجویی از دو همدست آنها برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه ادامه دارد.

چند روز قبل به مأموران پلیس تهران خبر رسید دو مرد جوان در چاه عمیقی در خانه قدیمی گرفتار شده‌اند و تیم عملیات آتش‌نشانی در حال امدادرسانی است.

با اعلام این خبر، مأموران پلیس راهی محل حادثه در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر شدند. بررسی‌ها نشان داد چهار مرد جوان در زیرزمین خانه قدیمی چاه عمیقی را برای یافتن گنج حفر کرده‌اند که صاحب‌خانه و یکی از دوستانش داخل چاه گرفتار شده‌اند و امدادگران آتش‌نشانی هم تلاش می‌کنند افراد گرفتار شده را نجات دهند.

از سوی دیگر مشخص شد دیوارهای چاه ریزش و کار امدادرسانی را برای آتش‌نشانان مشکل کرده‌است. در حالی که تحقیقات درباره این‌ حادثه ادامه داشت در نهایت آتش‌نشانان پس از ۴۸ ساعت عملیات نجاتگری جسندی‌بی‌جان دو مرد را از میان خروارها خاک بیرون کشیدند و برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل کردند.

آغاز تحقیقات

بدین ترتیب با اعلام مرگ دو جوینده گنج پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از مأموران پلیس به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادرسی امور جنایی تهران وارد عمل شدند.

حجرات

سرویس حوادث ۸۸۹۹۸۳۳۰



پدرش به او ارث رسیده‌بود و آن کاغذ را هم در زیر زمین خانه‌اش زیر طاقچه‌ای پیدا کرده‌بود. وقتی کاغذ را به من نشان داد، متوجه شدم نقشه گنج است. از آنجایی که اطلاعاتی درباره عتیقه و دلفینه دارم، نقشه گنج را

دونفری بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که گنج مورد نظر در همان زیر زمین خانه حمید دفن است. قرار شد دو نفری گنج را پیدا کنیم، اما حفر چاه در زیر زمین خیلی سخت بود و به پیشنهاد حمید با دو نفر از دوستانم موضوع را در میان گذاشتم و چهار نفری تصمیم گرفتیم گنج را از دل خاک بیرون بیاوریم.

گنج مرگبار

منتهم ادامه داد: «البته‌اندستگاه گنج‌یابی را تهیه کردیم تا محل دقیق گنج را پیدا کنیم. دستگاه نقطه‌ای را در زیر زمین نشان داد که سشویی در آن دفن شده‌بود. پس از این، شروع به حفر چاه کردیم، اما هر چقدر می‌کنندیم به هیچ‌نمی‌رسیدیم تا جایی که برای ارتباط با یکدیگر از ته چاه با بیرون، بی‌سیم‌های معمولی که در بازار است، تهیه کردیم و به این روش فردی که از ما برای کندن به ته چاه می‌رفت با سه نفری که در بیرون بودند ارتباط صوتی برقرار می‌کرد. روز و شب در تلاش بودیم به امید اینکه به گنج گرانقیمت برسیم و پولدار شویم، اما هر چقدر حفر می‌کردیم، فایده‌ای نداشت. ما بر اساس نقشه‌ای که دستگاه گنج‌یاب به ما نشان

می‌داد، حتی مجبور شدیم چند تونل هم در داخل چاه حفر کنیم.»

وی درباره شب حادثه گفت: «ما احتمال دادیم که نقشه گنج اشتباهی است و در زیر زمین خانه حمید گنجی دفن نشده‌است، چون هر چقدر می‌کنیم به گنجی نمی‌رسیدیم، اما دست از تلاش برنداشتم، تا اینکه شب حادثه حمید به ته چاه رفت تا به کندن ادامه دهد. ساعتی در حال کار بود که با بی‌سیم به ما گفت زیر پایش خالی و حالش هم بد شده‌است و نیاز به کمک دارد. با شنیدن صدای کمک‌خواهی حمید خیلی نگران شدیم و به‌روز تصمیم گرفت به ته چاه برود و به او کمک کند. قرار شد با ریسمانی حمید را از ته چاه بیرون بیاوریم، اما وقتی به‌روز به ته چاه رفت، ناگهان دیواره چاه ریزش کرد و حمید و به‌روز در ته چاه زیر خروارها خاک گرفتار شدند. هر چقدر آنها را صدا زدیم، صدایی از آنها نشنیدیم و متوجه شدیم کاری از دست ما ساخته‌نیست و به همین خاطر با آتش‌نشانی تماس گرفتیم و درخواست کمک کردیم. مأموران آتش‌نشانی پس از چندروز تلاش اجساد دوستانمان را از ته چاه بیرون آوردند.»

دو متهم پس از بازجویی برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه به‌دستور بازپرس جنایی در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

محاكمه زوج جوان در قتل مبهم پدر و دختر خردسال

بازداشت زوج جوان مظنون به قتل

بنابر این بهاره مورد تحقیق قرار گرفت و در اظهاراتش گفت: «روز حادثه کمردرد شدیدی داشتم، به همین خاطر نامزدم به خانه‌مان آمده بود تا مرا به دکتر ببرد، ولی منصرف شدم. تصمیم گرفتیم چند روزی استراحت کنیم تا اگر لازم شد به دکتر بروم. شهرام می‌خواست به خانه‌اش برگردد، اما قبل از رفتن خواست پدرم را ملاقات کند. قبل از شهرام، من به طبقه بالا رفتم تا به پدرم اطلاع بدهم، اما همسر پدرم گفت خانه مرتب نیست و بهتر است نامزدم به آنجا نرود. همان موقع یک نفر آیفون در را زد و گفت که با پدرم کار دارد. شهرام خداحافظی کرد و رفت، سپس پدرم گفت چون خانه خودشان مرتب نیست همراه دوستانش به طبقه همکف که متعلق به من بود، بیاید. قبول کردم و خودم برای گرفتن مسکن به خانه دوستم رفتم، اما ساعتی بعد که برگشتم با اجساد پدر و خواهر خردسالم در طبقه همکف روبه‌رو شدم که روی زمین افتاده بودند.» با تأیید این اظهارات از نسوی نامزد آن دختر، مأموران در روند تحقیقات میدانی دریافتند آن روز بهاره و نامزدش با هم از خانه خارج شده‌اند و روی لباس بهاره

نیز اثری از قطرات خون کشف شد. این سرخ‌ها کافی بود تا زوج جوان به اتهام قتل عمد بازداشت شوند، اما آنها در روند بازجویی‌ها گفتند بی‌گناه هستند و در نهایت با قرار وثیقه آزاد شدند.

آغاز دیواره تحقیقات

سه سال از حادثه گذشت تا اینکه مشخص شد شهرام سال ۸۴ به اتهام قتل دوستش بازداشت شده، اما ۲۰ روز بعد از دستگیری با قرار وثیقه آزاد شده بود. به دست آمدن این اطلاعات، شهرام بار دیگر مورد تحقیق قرار گرفت و گفت: «من در پرورنده قتل دوستم بی‌دلیل بازداشت شدم. باور نداشتیم که قتل دو خواهرناتنی نامزدم نیز اطلاعی ندارم و احتمالاً دوستان نامزدم مرتکب قتل شده‌اند و حالا فراری هستند.»

صدور کیفرخواست

با گذشت پنج سال از حادثه سرانجام با توجه به اسناد موجود از جمله کشف خون روی لباس بهاره و اظهارات ضد و نقیض بهاره و شهرام و اصرار مرد جوان درباره ترک خانه قبل از وقوع جرم، زوج جوان به اتهام مشارکت در قتل عمد اراهی زندان شدند و پرورنده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران رسانده شد.

اقدامی پیشدستانه برای مقابله با بحران‌ها

سردار حسین رحیمی*

پدافند غیرعامل راهبردی پایدار برای آمادگی و مقابله با حوزه‌های آسیب‌پذیر و استراتژی برای شرایط اضطرار است. حوزه‌های فعالیت‌های دفاع غیرعامل بسیار وسیع و

گسترده است، به همین دلیل هفته پدافند غیرعامل به عنوان تدبیری اثربخش ایجاد شده تا در روزهای مختلف بتوان هر کدام از حوزه‌های اثر این دفاع مهم و حیاتی برای زندگی شهروندان را بهتر تبیین کرد. درهم تنیده شدن پدافند غیرعامل در شئون مختلف زندگی مردم از پروژه‌های حساس و حیاتی اقتصادی و سیاسی گرفته تا ارتباطی، مواصلاتی، بخش‌های سلامت و فرهنگ، بازار و ارز موجب شده پدافند غیرعامل به عنوان موضوعی مهم در زندگی آحاد شهروندان، حتی بدون توجه آنان رسوخ کند.

پدافند غیرعامل حتی در حوزه‌های سایبری نیز خود را نشان داده و برای استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهای نوظهور در

حوزه تحولات ارتباطاتی و سایبرنتیک نیز باید آماده دفاع باشیم و با از میان برداشتن مشکلات و اختلالات، پدافند غیرعامل در حوزه رسانه‌ای را نیز فعال‌تر کنیم، چراکه این‌که شب حادثه حمید به ته چاه رفت تا به کندن ادامه دهد. ساعتی در حال کار بود که با بی‌سیم به ما گفت زیر پایش خالی و حالش هم بد شده‌است و نیاز به کمک دارد. با شنیدن صدای کمک‌خواهی حمید خیلی نگران شدیم و به‌روز تصمیم گرفت به ته چاه برود و به او کمک کند. قرار شد با ریسمانی حمید را از ته چاه بیرون بیاوریم، اما وقتی به‌روز به ته چاه رفت، ناگهان دیواره چاه ریزش کرد و حمید و به‌روز در ته چاه زیر خروارها خاک گرفتار شدند. هر چقدر آنها را صدا زدیم، صدایی از آنها نشنیدیم و متوجه شدیم کاری از دست ما ساخته‌نیست و به همین خاطر با آتش‌نشانی تماس گرفتیم و درخواست کمک کردیم. مأموران آتش‌نشانی پس از چندروز تلاش اجساد دوستانمان را از ته چاه بیرون آوردند.»

دو متهم پس از بازجویی برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه به‌دستور بازپرس جنایی در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

کلاهبرداری با وعده فروش ارز دیجیتال



مرد فریبکار که با وعده فروش ارز دیجیتال کاربران را فریب می‌داد و از آنها کلاهبرداری می‌کرد، بازداشت شد.

سرهنگ داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ گفت: چند روز قبل مردی وارد پلیس فتای تهران شد و گزارش یک کلاهبرداری را اعلام کرد. او گفت هنگام پرسه در اینستاگرام با فردی که مدعی بود در زمینه ارز دیجیتال فعال است، آشنا شدم. او اطلاعات خوبی در این باره داشت و من را تشویق کرد که سرمایه‌گذاری کنم تا سود زیادی نصیب شوم. من به حرف‌های او اعتماد کردم و برای شروع کار ۲۰۰ میلیون تومان به شماره کارتی که در اختیارم گذاشت، واریز کردم.

بعد از آن هر چه با تلفن همراهش تماس می‌گیرم، گوشی او خاموش است که فهمیدم او کلاهبردار سوده و به این شیوه از من کلاهبرداری کرده‌است. با اطلاعاتی که شب‌ها در اختیار پلیس گذاشت، مأموران موفق شدند متهم را شناسایی و او را در مخفیگاهش در جنوب تهران بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری ازشناختی و اعتراف کرد. او گفت من در اینستاگرام صفحه‌ای درباره کسب و کار ارز دیجیتال آن‌هم با هویت جعلی راه‌اندازی کردم. از آنجا که دنبال‌کننده‌های صفحه‌اطلاعات او ضعیفی داشتند، موفق می‌شدم به راحتی آنها را فریب دهم و از آنها کلاهبرداری

بازداشت سوداگر مرگ با شلیک گلوله

متهم که از حضور پلیس باخبر شده بود با اسلحه کمربندی شروع به تیراندازی به سوی مأموران کرد که یکی از سربازان پلیس از ناحیه پهلو دچار جراحت و به بیمارستان منتقل شد. سرهنگ جلیلیان گفت: مأموران موفق شدند متهم را خلع سلاح و بازداشت کنند. در بازرسی از وی مقاری مواد مخدر، سلاح و مهمات کشف شد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رأی ششماره ۱۰۱۸۵۰/۲۷۱۰۰۶۲۷۱۰۳۰۶۱۶۰۱۴ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه ۴ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهراللهی فرزند علی در شش‌دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۵۵۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۲۱۷ اصلی بخش ۹ واقع در اراضی سرخ‌صحرا متعلق به خود متقاضی (سه‌م ششای خودش) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی نداشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ م.الف: ۵۰۲ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد



اعتراف سارق، زن بی‌گناه را نجات داد

کردیم. مهناز گفت همراه نامزدش که مردی به نام ستار است، از خانه زن سالخورده پولداری در شمال تهران سرقت کرده‌است. او متوجه شده‌بود زن پولدار در خانه تنها زندگی می‌کند و فقط دختر جوانی روزی یک‌بار به خانه‌اش رفت و آمد دارد و کارهای او را انجام می‌دهد. مهناز گفت آن شب همراه نامزدش به در خانه زن تنها می‌روند و پشت در دعا می‌کنند که مستخدم خانه هستند و وقتی او در را باز می‌کند، وارد خانه‌اش می‌شوند و چشمان او را با پارچه و دست و پایش را با طناب می‌بندند و اموال گرانباشتش را سرقت می‌کنند. آنها همان شب از چند خانه دیگر هم در همان محل که صاحب‌خانه‌ها نبودند، دست به سرقت‌های سریالی می‌زنند.»

نجات زن بی‌گناه

زن جوان ادامه داد: «من تصمیم نداشتم راز سرقت‌های او را به پلیس بگویم و دوستم را لو بدهم، اما یک روز قبل مأموران پلیس مرا در باتوق

معتادان همراه تعدادی از سارقان دستگیر کردند و به بازداشتگاه بردند. بررسی‌های پلیسی نشان داد من پس از آزادی از زندان سرقتی مرتکب نشده‌ام و به همین خاطر آزاد شدم، اما در همین چند ساعت بازداشتی با دختر جوانی آشنا شدم که ادعا می‌کرد اشتباهی بازداشت شده‌است. گفت برای هزینه تحمیلیش به عنوان مستخدم در خانه زن تنهای پولداری کار می‌کرده‌است تا اینکه شبی دو نفر به خانه زن سالخورده می‌روند و اوالمش را سرقت می‌کنند. او گفت که خانواده زن سالخورده به پلیس گفته‌اند که سارق خانه مادرشان من هستم و از من شکایت کرده‌اند و به همین خاطر من بی‌گناه بازداشت شده‌ام تا تحقیقات انجام شود. وقتی صحبت‌های دختر جوان را شنیدم بلافاصله خاطر دوستم مهناز به ذهنم رسید و متوجه شدم که مهناز و نامزدش سارقان خانه زن تنها بودند و دختر جوان بی‌گناه بازداشت شده‌است. خیلی دلم برای او سوخت،

به همین خاطر تصمیم گرفتم راز سرقت‌های دوستم و نامزدش را برملا کنم تا دختر بی‌گناه آزاد شود.»

بازداشت سارقان اصلی

پس از اظهارات زن جوان مأموران در بررسی پرونده‌های سرقت از منازل دریافتند چند روز قبل دختر جوانی به نام سهیلا با شکایت اعضای خانواده‌ای به اتهام سرقت از خانه زن پولداری بازداشت شده‌است که ادعا می‌کند بی‌گناه است. از سوی دیگر تحقیقات مأموران نشان داد مهناز و نامزدش از سارقان سابقه‌داری هستند که چندین بار بازداشت و روانه زندان شده‌اند. با به دست آوردن این اطلاعات، مأموران مهناز و نامزدش را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت از خانه زن تنها اعتراف کردند. بدین ترتیب بی‌گناهی دختر جوان ثابت و وی آزاد شد. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.